

بخشی از یک مقاله ارسالی

مفهوم و انواع اکراه

سیاوش مددی



ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شپوهنځي ښوونځي ښوونځي
پرتال جامع علوم انساني

مبحث اول - مفهوم اکراه

الف - معنی لغوی اکراه: اکراه در لغت به معنی به زور و ستم به کاری را داشتن، کسی را خلاف میل خود او به کاری مجبور کردن آمده است. چنان که در شعر خیام و سعدی نیز به همین معنی آمده است:

رفتیم به اکراه و ندانیم چه بود زین آمدن و بودن و رفتن مقصود

«خیام»

سعدیا در قفای دوست مرو چه کنم می برد به اکراهم

«سعدی»^۱

ب - معنی اصطلاحی اکراه: اکراه در اصطلاح چنین بیان شده است: «اکراه عبارت از الزام و اجبار است به چیزی که شخص آن را بد دارد طبعاً یا شرعاً و بر این کار اقدام نمی شود مگر برای دفع کار مضرتر از آن»^۲

«اکراه عملی است تهدیدآمیز از طرف کسی (خواه او طرف عقدی باشد یا نباشد) نسبت به دیگری به منظور تحقق بخشیدن عمل حقوقی (فعل - ترک) مورد نظر اکراه کننده»^۳

ج - تعریف اکراه: اکراه در قانون مدنی تعریف نشده است بنابراین برای روشن شدن موضوع به چند تعریف از حقوقدانان اکتفاء می شود. دکتر امامی اکراه را چنین تعریف کرده است: «اکراه عبارت از فشار مادی یا معنوی است به شخصی تا او را وادار به انجام عملی

۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۵۷، ص ۲۱۱.

۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۴۶، ص ۳۱۹۱.

۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات بنیادان سال ۱۳۶۳، ص ۷۳.

نماید»^۱.

دکتر جابری در تعریف اکراه می‌گوید: «اکراه عبات از حمل و واداشتن غیر بر عملی است که خلاف میل او باشد به وسیله تهدید و وعید، هرگاه شخص بدانند یا گمان برد که در صورت ترک آن عمل و امتناع جاننش یا مالش یا عرضش در معرض خطر یا ضرر قرار خواهد گرفت»^۲ دکتر ناصر کاتوزیان در تعریف اکراه می‌گوید: «فشار غیر عادی و نامشروعی است که به منظور وادار ساختن شخص بر افشاء عمل حقوقی معین بر او وارد می‌شود»^۳ با توجه به مواد ۲۰۲ تا ۲۰۹ قانون مدنی به نظر می‌رسد تعریفی که دکتر کاتوزیان از اکراه کرده‌اند جامع و کامل باشد. در رابطه با اکراه باید دانست که اجبار کننده را مجبر یا مکروه و اجبار شده را مکروه و عمل مورد اکراه را مکروه به می‌نامند.

مبحث دوم - انواع اکراه

اکراه را از نظر کیفیت اعمال فشار به اکراه مادی و معنوی تقسیم نموده‌اند:

الف) اکراه مادی: هرگاه اکراه در نتیجه وارد آمدن فشار مادی و فعلی و جسمی باشد آن را اکراه مادی نامیده‌اند مثلاً اکراه کننده ایجاد ضرب و جرح در بدن مکروه بنماید تا او را وادار به عمل حقوقی بنماید. بنابراین اکراهی فعلیت دارد که قدرت تمیز و انتخاب را از مکروه بگیرد و او به عواقب و آثار اعمال خود نظر نتواند بیندیشد.

ب) اکراه معنوی: هرگاه فشار و اجبار نسبت به امور معنوی و حیثیتی و اخلاقی انسان باشد به طوری که مکروه را از این که در آینده این تهدید فعلیت خواهد یافت بیمناک سازد این را اکراه معنوی می‌نامند.^۴ اکراه معنوی ممکن است به صورت زیر از طرف اکراه کننده اعمال شود:

۱. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۶۳، ص ۱۹۱.
 ۲. جابری و بلو، محسن، فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۲، ص ۵۶.
 ۳. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، انتشارات بهش، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۵۱۱.
 ۴. دکتر صفائی، حسین، حقوق مدنی، جلد دوم، تعهدات و قراردادها، انتشارات مؤسسه عالی حسابداری، سال ۱۳۵۱، ص ۱۳۵۱.

اول - بدنی: مثلاً اکراه کننده تهدید نماید که اگر فلان خانه را نفروشد برادر یا خود او را خواهد کشت.

دوم - اخلاقی: مثلاً اکراه کننده تهدید نماید که اگر فلان معامله را انجام ندهی اسرار خانوادگی تو را فاش خواهم نمود.

سوم - مالی: مثلاً اکراه کننده تهدید نماید که فلان کارخانه تو را آتش خواهم زد در صورتی که اتومبیل خود را به من نفروشی در هر یک از انواع اکراه اگر مجبور نتواند قصد نتیجه و آثار کلمات را بکند و فقط وسیله باشد نه تصمیم گیرنده، اکراه در زمره عیوب رضا نیت و قصد را نیز از بین می‌برد و در نتیجه معامله باطل است. ولی در اکراه معنوی، به طور معمول، ترس از رنج آینده اراده را به کلی از بین نمی‌برد و در این نوع اکراه معامله غیر نافذ می‌شود و اجازه بعدی آن را کامل می‌سازد و این نظر مشهور فقهاء است که قانون مدنی از آن پیروی نموده است.

اکراه در یک تقسیم بندی دیگر به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱- اکراه ملجئ: و آن اکراهی است که نفس یا یکی از اعضای بدن را در معرض تلف می‌گذارد مانند تهدید به قتل یا تهدید به بریدن عضوی از اعضاء یا تهدید به زدن سخت که منتهی به تلف شدن عضوی شود و گاهی تهدید به اتلاف محبوب دارایی را به این نوع تهدید ملحق کرده‌اند این اکراه را اکراه تام نیز می‌نامند. چون این اکراه مکروه را چون آلتی در دست مکروه و مانند شمشیری در کف شمشیر زن می‌گذارد.

۲- اکراه غیر ملجئ: این اکراه رضاء را زائل می‌کند و آن تهدید به اتلاف قسمتی از مال و تهدید به زدن است که اعضاء را تلف نمی‌کند، یا مانند تهدید به حبس و نظائر آن، این اکراه را اکراه ناقص یا غیر ملجئ می‌نامند.

۳- نوع سوم از اکراه تهدید به آزردن یکی از والدین یا فرزندان یا زدن یکی از خویشان است این آزار ناظر به نفس یا اتلاف عضو نیست مانند حبس یکی از والدین یا همسر، تهدید به اتلاف عضوی از اعضای این دسته یا قتل یا اتلاف همه دارایی آنان از این نوع اکراه به شمار نمی‌آید، این نوع اکراه یا جزء نوع اول یا دوم است.

با این فرض اکراه ملجی جزء اکراه مادی قرار می‌گیرد و اکراه غیر ملجی در ردیف اکراه معنوی خواهد بود و نوع سوم که در فقه آمده در هر مورد می‌تواند یا جزء نوع اول باشد یا نوع دوم. مثلاً اگر تهدید نسبت به خویشان فعلیت داشته باشد جزء نوع اول و اگر فعلیت نداشته باشد و فقط تهدید باشد جزء نوع دوم خواهد بود.



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی